سه‌شنبه ۱۲ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۴۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

عباس سلیمی‌نمین از مشی سیاسی شهید سلیمانی می‌گوید

فرمانده مردم‌مند

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

هرجایی که پای دعواها و اختلافات داخلی مطرح بود، جایی را نمی‌توان پیدا کرد که شهید سلیمانی با حب و بغض و تحت تاثیر سیاسی‌کاری‌ها موضع‌گیری کند. ایران و ایرانی را یک مفهوم یکپارچه می‌دید که به دور از سیاسی‌کاری‌ها و تفاوت سلیقه‌ها، اختلافات موجود را حل کرد و تصمیمی گرفت که به نفع مردم و کشور باشد. این امر را می‌توان با نگاهی به موضع‌گیری‌ها و روایت‌هایی که از جانب شخصیت‌های سیاسی با سلایق مختلف مطرح می‌شود، دید. در موضوعات مختلفی که ردپایی از سیاست، فرهنگ، مصالح اجتماعی و امنیت ملی دارد دوری از افراط و تفریط و موضع‌گیری عاقلانه در نقش‌آفرینی‌های حاج قاسم دیده می‌شود. در نگاه حاج قاسم ایرانیان جبهه‌بندی نداشتند، غیریت‌سازی وجود نداشت و قرار نبود عده‌ای را کنار بگذاریم یا نادیده بگیریم.

حاج قاسم منفعل نبود

«شهید سلیمانی اصلا آدم منفعلی نبود، همیشه انتقاد می‌کرد که مسئولان اجرایی و دولتی چرا آنقدر سنگین و کند حرکت می‌کنند و با شجاعت کار نمی‌کنند. حتی به ما انتقاد می‌کرد که شما چه سیاستمدارهایی هستید که حزب و سیاست و جبهه دارید، اما ضعیف ظاهر می‌شوید.» این بخشی از صحبت‌هایی است که مرعشی، دبیرکل کارگزاران سازندگی درباره حاج قاسم مطرح می‌کرد. گفت‌وگو و اتفاق نظر با سیاسیونی که با آنها اختلاف نظر داشت و انتقاد به آنها برای اینکه آن‌طور که باید کار و تلاش کنند را می‌توان در همین چهارچوب صورت‌بندی کرد که شهید سلیمانی اصل پیشرفت و حرکت کشور را مورد توجه قرار داده کما اینکه نقطه اختلافات و تفاوت نظرها به اشخاص را نیز مطرح می‌کرد. از جمله آنها اختلاف نظر حاج قاسم با مرحوم هاشمی در مورد موضوع سوریه بود. مرعشی در شرح اختلاف نظر شهید سلیمانی و مرحوم هاشمی می‌گفت: «آقای سلیمانی در آخرین حرفی که از ایشان شنیدم گفت که آقای هاشمی چون مدتی است که سیستم اطلاعاتی کشور، اطلاعات دقیق را به ایشان نمی‌دهند و دسترسی به اطلاعات‌شان ضعیف شده، تحلیل‌هایش از واقعیت فاصله گرفته است.» در میانه این اختلاف نظرها نیز شهید سلیمانی دچار افراط و تفریط نمی‌شود و برخلاف برخی از طیف‌ها و تفکرات در پس اختلاف نظرها به دنبال برچسب‌زنی نیست، کما اینکه موضع‌گیری او در موضوعات امنیت ملی و سیاسی به وضوح مشخص بود.

منهای جناح‌بندی‌ها

این موضع‌گیری پیش از این و در نامه‌ای که حاج قاسم و جمعی از فرماندهان سپاه به محمد خاتمی نوشتند هم دیده شده بود. در شرایط و روزهایی که اوضاع ملتهب و شرایط و فضای سیاسی کشور، ملتهب بود و دومی خردادی‌ها نیز موضع‌گیری تندی درباره این موضع می‌گرفتند، اما در نامه فرماندهان موضوعی که اصل قرار داده می‌شود و نسبت به ابراز نگرانی می‌شود، اقداماتی است که به نفع دشمنان و نه مردم ایران تمام می‌شود: «جناب آقای خاتمی، قطعا همه ما حضرتعالی را انسانی وارسته، انقلابی، متدین و دارای ریشه عمیق دینی در حوزه و دلسوز به انقلاب دانسته و می‌دانیم، اما نحوه برخورد با حوادثی که همه ما شاهد شادی و رقص دشمنان پیرامون آن هستیم و در اولویت قرار دادن پیگیری برخی اشتباهات و تخلفات و بزرگ کردن آنها در مقابل عدم توجه یا کوچک جلوه دادن برخی دیگر از همین نمونه قانون‌شکنی و هتک حرمت و فشار، باعث شده است جریان‌های معاند با انقلاب گستاخ‌تر و در مقابل آن، مدافعان انقلاب محافظه‌کارانه و با دلزدگی توأم با ناامیدی، هر روز تحقیر شده و به ثمره این همه خون نگریسته و انگشت خود را با تاسف و تاثر می‌گزند.»

نامه حاج قاسم به روحانی

بعد از خروج آمریکا از برجام و موضع‌گیری آمریکا مبنی بر تشدید تحریم‌ها و ایجاد مشکلاتی در فروش نفت به ایران حسن روحانی، در جریان سفری که به سوئیس داشت و در دیدار با ایرانیان مقیم سوئیس، موضع‌گیری جدی‌ای ناظر به آمریکا مطرح می‌کند و می‌گوید: «آمریکایی‌ها مدعی شده‌اند که می‌خواهند به طور کامل جلوی صادرات نفت ایران را بگیرند. آنها معنی این حرف را نمی‌فهمند؛ چراکه این اصلا معنی ندارد که نفت ایران صادر نشود و آن وقت نفت منطقه صادر شود. اگر شما توانستید این کار را بکنید تا نتیجه‌اش را ببینید.» این موضع‌گیری با واکنش حاج قاسم سلیمانی مطرح می‌شود و شهید سلیمانی در نامه‌ای به روحانی از این موضع‌گیری روحانی دفاع می‌کند و می‌نویسد: «حقیر به عنوان سرباز ولایت و این ملت سرفراز و با همه جان به حضور جنابعالی عرض می‌کنم؛ این همان دکتر روحانی است که ما شناخت داشتیم و داریم و می‌بایست باشد. شما با سخنان حکیمانه، ارزشمند و قدرتمندانه خودتان رهبر عزیز، ملت بزرگوار ایران اسلامی و مسلمانان جهان را سرافراز کردید. دست شما را برای ایراد این سخنان به موقع، حکیمانه و صحیح می‌بوسم و برای هر سیاستی که مصلحت نظام اسلامی باشد، در خدمت هستیم.» این موضع‌گیری حاج قاسم البته با واکنش منفی برخی تندروهای داخلی مواجه می‌شود، اما نکته قابل توجه این است شهید سلیمانی در زمانی این اظهارات را مطرح می‌کند که دولت به خاطر انفعال در مقابل قدرت‌های خارجی محکوم بود و طبیعتا این صحبت‌ها می‌توانست شروع خوبی برای قرارگرفتن سیاست دولتی در مسیر درست و صحیح باشد؛ امری که به نظر می‌رسد حاج قاسم به دنبال تقویت این موضع‌گیری و تغییر سیاست دولت در این راستا بود. برای بررسی بیشتر موضع‌گیری‌های شهید سلیمانی در موضوعات و مسائل مختلف با عباس سلیمی‌نمین، فعال سیاسی گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

ترقی در مسیر عرفان

سلیمی‌نمین در ابتدا در تعریف شخصیت حاج قاسم به بعد عارفانه ایشان اشاره کرد و در توضیح وارستگی از دنیا و شکل‌گیری چنین شخصیتی گفت: «ایشان سرباز مخلصی بود که توانست راه عرفان را خیلی سریع طی کند. این شهید بزرگوار یادآور جمله امام است که فرمودند برخی از جوانان ما در جبهه راه عرفان را خیلی سریع طی کردند، یعنی عارف شدن. خیلی‌ها سال‌ها زحمت کشیدند که عارف بشوند ولی اینها با جانبازی و جانفشانی این راه بسیار سخت را خیلی سریع پیمودند. این شهید عارفی است که از خودگذشته و از نفسانیت عبور کرده است. علتش هم این بوده که همواره در جایی قرار داشته که هر لحظه انتظار شهادت را داشته است. آماده برای شهادت بوده، نه از این تعارف‌هایی که برخی مطرح می‌کنند و ادعا می‌کنند طالب شهادت هستند. واقعا زندگی عملی‌اش این‌گونه بوده که هر لحظه خود را برای پیوستن به حق تعالی آماده کرده بود. این نگاه طبیعتا انسان را سریع رشد می‌دهد چون انسان وقتی از تعلقات خودش بگذرد، سریع رشد می‌کند. این تعریفی است که من از این شهید بزرگوار دارم.»

فرد وارسته از دنیا بازدوبندهای منفعت‌طلبانه میانه‌ای ندارد

این پژوهشگر تاریخ و فعال سیاسی در ادامه یکی از مهم‌ترین اثرات روحیه عرفانی حاج قاسم را اجتناب از زد و بندهای منفعت‌طلبانه دانست و توضیح داد: «بروز و ظهور خصلت‌های ارزنده‌ای را در این شهید بزرگوار شاهد بودیم. کسی که همواره آماده شهادت است نیاز ندارد با دیگران برای رسیدن به یک جایگاه بالاتر زد و بند کند. قطعا نه. بنابراین، این شخصیت از هر نوع ریا خالی است. چرا افراد ریا می‌کنند؟ برای اینکه بتوانند در یک منصبی به صورت غیرمنطقی بمانند و ارتقا پیدا کنند. وقتی انسانی به این وارستگی رسید، این مسائل جز خدمت، جاذبه دیگری برایش ندارد. این فرد دیگر نه ریا و تملق می‌کند و نه دنبال خودپرستی خواهد رفت. این امر یک خصلت‌هایی را در او به وجود می‌آورد. مثلا عشق به همنوع در او زیاد می‌شود. بعضی موضع‌گیری‌هایی شهید سلیمانی داشت که برخی از هم‌قطارانش نمی‌پسندیدند و او را تخطئه می‌کردند و الان بعد از شهادت ایشان انگار موضع‌گیری‌هایشان یادشان رفته است.»

نسبت به همه جامعه مسئولیم

سلیمی‌نمین در توصیف نقش اجتماعی حاج قاسم جمله معروف او در مورد اینکه دختران بدحجاب نیز دختران همین جامعه هستند را یادآور شد و حس مسئولیت حاج قاسم به تمام جامعه را تشریح کرد: «این شهید بزرگوار در دوران حیات‌شان زمانی که با نویی که به زعم ما ظاهر مطلوبی ندارد را می‌دید، نسبت به او هم احساس مسئولیت می‌کرد. یعنی یک نگاه فراگیری به همه افراد داشت و خود را صرفا در یک قشر محدود نمی‌دید. با همه کسانی که نسبت به آنها احساس مسئولیت می‌کرد ارتباط داشت، نه اینکه بخواهد ارتباطات خودش را منحصر به یک قشر خاص کند. او لازم نداشت که خودنمایی کند. بعضی از مسئولان و برخی از دست‌اندرکاران به طور آشکار برای خودنمایی تلاش می‌کنند و مرتب بر چیزی که به آن اعتقاد ندارند، تاکید می‌کنند. مثلا دانشگاه آزاد اسلامی سال‌ها توسط مدیری اداره شد که تلاش داشت قدرتی را برخلاف همه مصالح کشور حفظ کند. بانوان را مجبور می‌کرد که در ورود به دانشگاه آزاد حتما چادر داشته باشند. آیا این امر براساس باور بود. پاسخ منفی است، زیرا باوری به این معنا نداشت که بشود از او به عنوان یک آدم متقی یاد کرد. حجابی که اسلام قبول داشت را ایشان قبول نداشت. ایشان از شرع مقدس هم فراتر رفته بود. چون شرع مقدس حجابی غیر از چادر را هم پذیر است و تایید می‌کند. کسی که از معیارهای دینی فراتر رفته و سختگیری بیشتری می‌کند، از دو حالت خارج نیست. یا به شدت آدم خودبزرگ‌بینی است یا به شدت آدم متملقی است که می‌خواهد خود را به عنوان یک فرد مومن معرفی کند تا بتواند در جایگاه کسب شده بماند و مورد حمایت قرار گیرد. شهید سلیمانی این‌گونه نیست. او حرفی می‌زند که حتی برخی همسنگرانش نیز نسبت به این حرف خرده می‌گیرند. او می‌گوید ما نسبت به همه بانوان با همه سلایق وظیفه داریم. ما وظیفه داریم که با آنها ارتباط گرفته و به فهم متقابل برسیم. چرا این حرف را می‌زند؟ چون اصلا نمی‌خواهد هیچ نوع تظاهری داشته و پستی کسب کند. می‌خواهد خدمت کند. در خدمت دیگر این موارد معنی ندارد، به همین دلیل شهید سلیمانی را بی‌رغبت به هرگونه تلاش برای کسب جایگاه می‌بینیم.»

بالاترین محبوبیت را در جامعه داشت اما طمع ریاست جمهوری و قدرت نداشت

سلیمی‌نمین در ادامه اجتناب شهید سلیمانی از ثبت‌نام در انتخابات علی‌رغم داشتن محبوبیت اجتماعی را ناشی از روحیه مسئولیت‌پذیری ایشان دانست و در تشریح جایگاه نداشتن قدرت در نگاه حاج قاسم گفت: «برخی آمدند و با استناد به نظرسنجی‌هایی از او خواستند که برای ریاست جمهوری کاندید اشود. در نظرسنجی‌های مختلف و نه فقط نظرسنجی یک موسسه، او بالاترین محبوبیت را در بین همه شخصیت‌ها داشت. با این وجود این مساله هرگز در ذهن او تبدیل به چالش نشد و تمایلی برای این امر پیدا نکرد که بیاید در یک جایگاه جدید به تعبیر خیلی از ما خدمت کند. او اصلا به دنبال این نیست که از این محبوبیت برای ارتقای جایگاه خودش استفاده کند. به عنوان یک سرباز به او یک ماموریت داده شده، آن ماموریت خودش را به بهترین وجه ممکن انجام می‌کند. حاضر است برای اینکه این وظیفه ملی و دینی خودش را به بهترین وجه ممکن انجام بدهد، حتی از کسانی که خیلی آنها را قبول ندارد، منت بکشد و با آنها وارد تعامل شود و از این تعامل در جهت انجام یک خدمت ملی استفاده ببرد. حتی خودش را تنزل بدهد. فرض کنید کسی را قبول ندارید اما او در جایگاهی است که تصمیم او و فعل او در پیشبرد یک امر تاثیر دارد. می‌گویید من رابطه‌ام را با او قطع می‌کنم و اصلا مهم نیست که به این ماموریت لطمه وارد می‌شود اما شهید سلیمانی اصلا این‌گونه نیست. شهید سلیمانی حاضر است خودش را کوچک کند برای اینکه ماموریتی که متعلق به جامعه خودمان و به تعبیری جامعه جهانی است را انجام دهد. بزرگ و کوچک می‌کند برای اینکه آن کار صورت بگیرد، آن خدمت به نحو احسن تحقق پیدا کند. این در خیلی از ما که دچار نفسانیات هستیم، این طور نیست. صف‌بندی‌هایی داریم و از آن هم دست برنمی‌داریم، بر طبل اختلاف می‌کوبیم و جلوی روند وحدت را می‌گیریم.»

سیاسیون برای مایوس نکردن مردم از حاج قاسم الگو بگیرند

سلیمی‌نمین در ادامه پرهیز از تفرقه را لازمه خدمت دانسته و با اشاره به این خصلت شهید سلیمانی ایراد اخلاقی برخی سیاسیون را این‌گونه گوشزد می‌کند: «هر عقل سالمی می‌داند اگر بخواهید در انتخابات شورا ایجاد کنید، باید حتما از تفرقه دوری کنید اما می‌بینید خیلی از آقایانی که مدعی خدمت هستند و مدعی‌اند که اگر به مجلس راه پیدا کنند با تمام وجود در مسیر خدمت عمل می‌کنند، از همان ابتدا ضد خدمت عمل می‌کنند. اگر داعیه خدمت داشته باشیم نباید مردم را متفرق کنیم، مایوس کنیم، شور را بگیریم. وقتی آنها نگاه می‌کنند ما در اختلافات غرقیم، آیا شوری در انتخابات خواهند داشت؟ خیر. بنابراین این خصوصیات در شهید سلیمانی نیست. او حاضر است حتی با کسی که تفاوت زیادی دارد، تفاهم کند. این آقایان حاضر نیستند با کسانی که در یک جبهه تعریف می‌شوند، کمترین همراهی را داشته باشند اما شهید سلیمانی با دولتی که با او تفاوت دارد، مواضعش با او کاملا مغایر است، حاضر است منتش را بکشد و با او تعامل کند تا بتواند کاری را پیش ببرد. اینها از خودگذشتگی می‌خواهد، عبور از نفسانیات می‌خواهد که خیلی از ما اصلا این را درک نمی‌کنیم و نمی‌توانیم آن را هضم کنیم. لذا وقتی که او یک نامه به رئیس یک دولت می‌نویسد، همرزمان او می‌گویند که به دولتی گفتی دستت را می‌بوسم که او برای مثال کلی ایراد دارد. اصلا این را نمی‌فهمند که شهید سلیمانی این موضوع را برای خود نمی‌گوید. اینجا مطالبه شخصی نمی‌کند. حاضر است در راستای انجام خدمتی که یک تهدید را از سر بشریت دور می‌کند، خودش را بشکند و این حائز اهمیت است.»

برای شهید سلیمانی مبانی محور بود نه منفعت شخصی

سلیمی‌نمین در پایان دلیل خضوع سیاسیون در برابر سردار سلیمانی را دغدغه‌مندی او برای مصالح کشور و خودمحور نبودن دانسته و این خصیصه را این‌گونه تشریح می‌کند: «این شهید بزرگوار قطعا گرایش سیاسی دارد، تعلقات فکری دارد. این نیست که تعلقات فکری نداشته باشد. ایشان به خط امام معتقد است و تفسیری هم از خط امام دارد اما برای این تفسیر ایثار و فداکاری دارد، تمام همت خودش را در این مسیر می‌گذارد. این خودش مختصاتی از ایشان ایجاد می‌کند و حتی مخالفش هم می‌فهمد که این فرد اصلا هیچ گرایش نفسانی ندارد. قطعا ظریف با شهید سلیمانی اختلافات مبنایی دارند، اما چرا ظریف در برابر او خاضع است و احساس کوچکی می‌کند؟ چون می‌بیند با وجود اینکه اختلاف دارند، حاضر است خودش را کوچک کند، برای اینکه وزارت خارجه کاری را در مسیر مردم و نه در مسیر خودش انجام دهد. این موضوع مهم است. وقتی با آدم‌های سیاسی مواجه می‌شوید، او می‌فهمد که شما چکار می‌کنید و وقتی صحبت می‌کنید، آیا دغدغه شخصی خودتان را دارید یا دغدغه ملت را. کما اینکه ما هم می‌فهمیم خیلی از کسانی که ادعا می‌کنند که برای رسیدن به سکوها تنها دغدغه مردم را دارند، این طور نیست. شاید بعضی افراد که تجربه سیاسی‌شان کمتر است این را بهتر بفهمند. حتی مخالف نگرش آقای سلیمانی در برابر او خضوع دارد، چون می‌فهمد که اصلا دنبال مسائل شخصی نیست. ضمن اینکه می‌بیند حاضر است به خاطر مسائل مردم خودش را بشکند. ما الان در مسیر منافع مردم به هیچ‌وجه حاضر نیستیم خودمان را خرج کنیم، اصلا خودمان محوریم نه مسائل مردم. شهید سلیمانی خودش را محور قرار نمی‌دهد، مصالح و مبانی محور است. لذا می‌بینید که او مورد تکریم همه سلایق قرار می‌گیرد. در مراسم تشییع او می‌دیدم که همه با سلایق مختلف گریه می‌کردند و او را صادق می‌دانستند. اصلا آدم صادق به دل می‌نشیند. تفاوت شهید سلیمانی با خیلی از اهل سیاست همین است که برخی از اهل سیاست اگر محبوبیتی هم به دست می‌آورند، سعی می‌کنند این محبوبیت را در خدمت مصالح خودشان قرار دهند که شهید سلیمانی دور از این حرف‌هاست.»

حاج قاسم؛ الگویی که بین نسل دیجیتال و واقعیت پل می‌سازد

یادداشت شفاهی

حسین حق‌پناه
جامعه‌شناس

قهرمان‌های ملی هر کشور مطلوب‌ترین تجلی روح جمعی یک جامعه محسوب می‌شوند. جامعه خیلی وقت‌ها نمی‌تواند همه آرمان‌های خودش را عینیت ببخشد، ولی قهرمان‌های ملی در یک یا چند بعد از فرهنگ مطلوب توانسته‌اند تجلی روح جمعی باشند. حاج قاسم سلیمانی هم از این جهت اهمیت دارد و باید از منظر جامعه‌شناختی نگاه کنیم و ببینیم چه ویژگی‌هایی دارد. اما نقطه‌ای که اهمیت حاج قاسم را بیشتر نمایان می‌کند پلی است که این سردار شهید از دل نسل قبل به نسل دیجیتال می‌زند و در نقش یک انتقال‌دهنده فرهنگ عمل می‌کند. به همین دلیل باید نگاه کنیم کدام یک از ویژگی‌های حاج قاسم برای نسل جدید برجسته‌تر بوده و لازم است روی آن تاکید شود. این تاکید با توجه به ویژگی‌هایی است که پژوهش‌های جهانی و ملی در مورد خصیصه‌های اخلاقی مشترک نسل دیجیتال تبیین می‌کنند.

مهم‌ترین ویژگی نسل جدید اتصال همیشگی به فضای مجازی است

آدرسی که می‌شود از زندگی حاج قاسم به نسل دیجیتال داد نسبتی است که ایشان بین واقعیت و میدان عمل برقرار می‌کرده است. عنوان مرد میدان که برازنده حاج قاسم است برجستگی ایشان نسبت به نسل قبلی محسوب می‌شود. مهم‌ترین ویژگی این نسل اتصال همیشگی‌اش به فضای مجازی است. نسلی که مبارزاتش خلاصه شده در کنش‌های مجازی، هشتگ‌ها و ترندها. اینقدر این ماجرا جدی شده که تیتری با عنوان اسلکتیویسم یا مبارزه زیر لحاف برای این نوع کنش نسل جدید ابدا شده که تفکیک می‌گیرد از زیر لحافش بیرون نیامده و فقط در فضای مجازی بروز داشته باشد. حاج قاسم می‌تواند نسل جدید را از فضای مجازی به واقعیت امتداد دهد. فضای مجازی و کنشگری در آن کافی نیست و باید در میدان عمل هم فعال بود.

حاج قاسم؛ الگویی برای تعدیل رفتار نسبیت‌گرایان

پژوهش‌های مختلف اذعان می‌کنند این نسل برای حل مشکلات بیش از نسل‌های گذشته به گفت‌وگو پایبند هستند. این گفت‌وگو تا جایی پیش می‌رود که به نوعی نسبی‌گرایی و تکثرگرایی ختم می‌شود و از نظرش همه گرایش‌ها و اعتقادات محترمند. درحالی که می‌شود این را با نگاه حاج قاسم از دو جهت پیوند زد. یک جهت این است که حاج قاسم فرد صلح‌طلبی بوده و اهل گفت‌وگو است. اهل پذیرش افراد با گرایش‌ها و سلایق مختلف است. اگر ما از حاج قاسم این تیتر معروف را به خاطر داریم «آن دختر بی‌حجاب هم دختر من است.» یا خاطره‌های متعددی نقل می‌شود از اینکه ایشان با گرایش‌های سیاسی، مذهبی و قومی مهربانانه برخورد می‌کرد به خاطر روح صلح‌طلبانه ایشان است. مصادق همان جمله‌ای است که این روزها دست به دست می‌شود: «هرگز نمی‌خواستم دست به سلاح ببرم.» اما ما جرا به اینجا ختم نمی‌شود.

دنیای واقعی خشن‌تر از آرمانشهر فضای مجازی است

ما شاهد این موضوع هستیم که در موارد لازم ایشان دست به سلاح می‌برد. برای دفاع از مظلوم و برقراری صلح لازم است که گاهی وارد مبارزه و مواجهه مستقیم با دشمن بشویم. این هم یک اتصال دیگر به دنیای واقعی است که معمولا خشن‌تر، بی‌رحم‌تر و پیچیده‌تر از آرمانشهری است که در فضای مجازی و رویاهای نسل جدید تصویرسازی می‌شود. این اتصال از این جهت خوب است. ما می‌توانیم حاج قاسم را به عنوان یک فرصت ببینیم که نسل جدید می‌تواند با او ارتباط برقرار کند و از طریق او با دنیای واقعی آشنا شود و از این طریق غم‌ها، خشم‌ها و پیچیدگی‌های این دنیا را بشناسد تا بتواند راه‌حل‌های واقعی‌تری را برای رسیدن به اهدافش جست‌وجو کند.

حاج قاسم کلیشه قهرمان‌های فیلترشده و خوش‌رنگ را باطل کرد

مساله بعدی دنیای ابرقهرمان‌هاست. نسل جدید بیش از هر زمان دیگری خودش را در انبوه ابرقهرمان‌های غربی و شرقی محاصره شده می‌بیند. ابرقهرمان‌هایی که ویژگی‌های فرازمینی و فراطبیعی دارند و به واسطه این قدرت‌های ماورایی می‌توانند کارهایی را انجام دهند. این ابرقهرمان‌ها به شدت فردگرا، سرخوش و زیبا طراحی می‌شوند. در این دوره ما با یک قهرمان کاملا زمینی، روستایی و بیرون از کلیشه‌های فیلتر شده و بدون رنگ و لعاب‌های جعلی روبه‌رو هستیم به نام قاسم سلیمانی. رفتارهایی دارد که به قدری حماسی است و گاهی فراطبیعی جلوه می‌کند. روایت حماسه‌های حاج قاسم در کنار شخصیت زمینی‌اش یک قهرمان واقعی از همه جهات برای نسل جدید می‌سازد و پلی می‌سازد برای نسل جدید تا از خیال به سمت واقعیت حرکت کند.

الگوی نبرد اخلاق‌مدارانه

نکته دیگری که در نوع کنش‌های نظامی و امنیتی حاج قاسم قابل توجه است و می‌تواند با سایر با ویژگی‌های حاج قاسم ارتباط برقرار کند، نوع کنش‌های اخلاقی ایشان است. بارها از شهید سلیمانی خاطراتی نقل شده است که می‌توانسته بی‌هوا به دشمن هجوم ببرد یا برخی از قواعد و قوانین و اصول اخلاقی را زیرپا بگذارد و به دشمنش پیروز شود، اما این کار را نکرده است. برای مثال وقتی دستور می‌دهد، کسی را که بدون حکم قضایی و بدون مشخص شدن دلیل جرمش گرفتند آزاد کند یا مدلی که حاج قاسم با اسرای داعشی رفتار می‌کرد اخلاق‌مدارانه است. برای نسلی که در معرض نگاه‌های نسبی‌گرایانه اخلاقی و سیاسی است، این خاطرات و این نحوه عمل و زیست اخلاقی حاج قاسم به عنوان فردی که هیچ وقت اصول ثابت اخلاقی را زیر پا نمی‌گذاشت به کار می‌آید.

قهرمان‌سازی از مسیر شهرت‌گریزی

نکته دیگر مساله شهرت‌گریزی حاج قاسم است. نسل جدید با ادبیات پرسنال برندینگ، اینفلوئنسری، بلاگری و سلبریتی شدن، دارد رشد می‌کند این نسل با آیدل‌ها، فندوم‌ها و گروه‌های هواداری مواجه بوده و پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد مشهور شدن به عنوان یک ارزش ذاتی توسط بخش زیادی از این نسل پذیرفته شده است. فارغ از کارکرد و دلیلی که این نوع شهرت دارد. این رفتار کاملا قابلیت مقایسه با رفتارهای حاج قاسم به عنوان فردی دارد که بیش از ۲۰ سال فرمانده سپاه قدس بود اما هیچ اسم، عکس یا ویدئویی از او منتشر نمی‌شد. اگر هم در چند سال آخر به شهرت رسانه‌ای رسید، این را در رفتارهای حاج قاسم می‌دیدیم از شهرت گریزان بود و آن جمله معروف را دارد «باید به این بلوغ برسیم که نباید دیده شویم، آن کس که باید ببینید، می‌بیند.» این قهرمان در اوج گمنامی به این نقطه‌ای که الان هست رسیده و معادلات زندگی‌اش را بر مبنای شهرت بنا نکرده است.

قهرمانی ورای مرزهای جغرافیایی و نژادی

به شخصیت حاج قاسم می‌توانیم این‌گونه نگاه کنیم یک نوجوان روستایی از دل کرمان به محبوب‌ترین چهره نظامی نه فقط در ایران، بلکه در ورای مرزها تبدیل شده است. پس مسیر برای نوجوانان هر جای این مرز و بوم باز است. نوجوانان با دیدن جایگاه حاج قاسم و خاستگاه این فرد امیدوار می‌شوند اگر خودشان را در یک مسیر و هدف مشخص و والا تعریف کنند و برای آن تلاش کنند، بتوانند به بالاترین نقطه‌های حماسه، کنشگری و اثرگذاری برسند. در عصری که فردگرایی جمع ترویج می‌شود و آدم‌ها، فقط موفقیت‌های فردی برایشان مهم است، می‌توانیم ببینیم که حاج قاسم از خود می‌گذرد و ورای خود، قومیت و نژاد، بلکه حتی ورای ملت خود می‌ایستد و عمل و دفاع می‌کند. حاج قاسم قهرمانی ورای مرزهاست و هر مرزی را به خاطر دفاع از انسانیت، صلح جهانی و مبارزه با ظالم درمی‌نوردد و این فرصتی است برای اینکه اینها را به نسل جدید نشان دهیم.